

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده : علی کاظمی

۱۰/۰۸/۱۸

تفسیرهای خبری

یکشنبه ۲۴ مرداد [اسد] ۱۳۸۹

تعليق غلام رضا غلامحسينی و انتقام گيري از سندیکای شرکت واحد

یکی دیگر از فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه از کار تعليق شد. غلامرضا غلامحسينی ۴۴ ساله متاهل و دارای ۳ فرزند و از رانندگان شرکت اتوبوس رانی منطقه ۶ تهران، به دلایل واهی از کار تعليق شد.

اگرچه غلامرضا غلامحسينی این فعال سندیکائی، نسبت به این اقدام ضدکارگری یعنی تعليق غير قانونی خود اعتراض و در این رابطه به اداره کار شکایت نموده است، اما مسئولین مربوط، به این شکایت غلامحسينی رسیدگی ننموده‌اند و آنطور که در برخی سایت‌ها اعلام شده است، به دلیل حجم زیاد اخراج کارگران در سطح استان تهران، به این فعال کارگری گفته شده، "بعد از ۲ ماه، شکایت او را پیگیری خواهند کرد". قابل ذکر است که مسئولین شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه، به علاوه تعليق، دست به یک اقدام ضد کارگری دیگر نیز زده‌اند و از لحظه تعليق از کار این فعال سندیکائی، اقدام به قطع حقوق و مزایای وی نموده‌اند و به طور آگاهانه، موجبات تشدید بیش از پیش فشارهای اقتصادی و معیشتی بر این فعال سندیکائی و اعضای خانواده وی را فراهم کرده‌اند.

غلامرضا غلامحسينی یکی از فعالان سندیکای شرکت واحد است که در جریان اعتصابات گسترده کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ دستگیر و چند هفته در زندان اوین در بازداشت به سر برد و نزدیک به ۴ سال از کار تعليق شد. غلامحسينی پس از سال‌ها سرگردانی و دوندگی سرانجام حدود ۶ ماه پیش بود که پس از رای به بازگشت به کار اداره کار، توانست به محل کار خود بازگردد.

تعليق از کار غلامرضا غلامحسينی عضو فعال سندیکای کارگران شرکت واحد در حالی صورت می‌گیرد که هنوز از سرنوشت رضا شهابی عضودیگر این سندیکا که از حدود دو ماه پیش بازداشت شده است اطلاع دقیقی در دست

نیست و منصور اسالو را نیز که قبلاً محاکمه و به ۵ سال زندان محکوم کرده بودند دوباره به محاکمه کشانده و بر مدت حبس وی افزوده‌اند.

دستگیری‌ها، بازداشت‌ها و تعلیق از کار و تشدید فشار علیه فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی که همواره از تشکل و آگاهی کارگران وحشت داشته است، به شیوه‌های مختلفی و قبل از همه، با تعلیق و اخراج و سرکوب کارگران پیشرو، سعی کرده است جلو آگاهی و تشکلیابی کارگران را به کلی مسدود کند. به رغم این اما کارگران پیشرو شرکت واحد در جریان فعالیت‌ها و ایجاد سندیکای خود، گام‌های مهمی در جهت آگاهی و تشکلیابی کارگران این شرکت برداشتند. گام‌ها و تلاش‌های موثری که به کارگران شرکت واحد محدود نماند و تأثیرات بالانکاری بر کارگران سایر بخش‌ها نیز بر جای گذاشت.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و دستگاه امنیتی آن، اگرچه با تعلیق و اخراج و بازداشت و شکنجه و حبس، و در یک کلام با تشدید اقدامات سرکوبگرانه علیه فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد، مشغول انتقام‌گیری از این کارگران است، اما حتا با این اقدامات وحشیانه و ضدانسانی خود نیز، هرگز نخواهد توانست تأثیرات مثبت و آگاهی دهنده‌ای که حرکت کارگران شرکت واحد و فعالان سندیکای این شرکت بر روی سایر کارگران بر جای گذاشته است را از بین ببرد!

به رغم تشدید فشار سرمایه‌داران، مبارزه و مقاومت کارگران ادامه دارد

سرمایه داران و رژیم اسلامی حامی آنها پیوسته بر فشارهای اقتصادی خود علیه کارگران می‌افزایند. هر روز شمار بیشتری از کارگران را اخراج می‌کنند. ماه‌ها دستمزد کارگران را نمی‌پردازند و آن‌ها را تحت سخت‌ترین شرایط اقتصادی و معیشتی قرار داده‌اند.

اما کارگران نیز در برابر این فشارها دست به مقاومت زده و برای احقاق حقوق خویش به مبارزه ادامه داده‌اند. خبرهایی که در چند روز اخیر در سایت‌های اینترنتی انتشار یافته، حاکی از گسترش اخراج‌ها و بیکارسازی‌ها و در همان حال تداوم مقاومت و مبارزه کارگران است که در این جا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

- کارخانه ماکارونی "درخشان ماکاران" واقع در استان فارس، در شروع ماه جاری ۲۰۰ نفر از کارگرانش را اخراج کرده است. سایر کارگران باقی مانده این کارخانه نیز در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برند. این کارگران علاوه بر این که حقوق چند ماه اخیر را دریافت نکرده‌اند در نگرانی شدید اخراج از کار نیز به سر می‌برند.

- در کارخانه نساجی پارس ایران واقع در استان گیلان، میلیون‌ها تومان مطالبات معوق و از جمله حقوق تیر [سرطان] ماه کارگران پرداخت نشده است.

- پیمانکاران متروی تهران چند ماه است حقوق کارکنان مترو را پرداخت نکرده‌اند. برخی از کارگران ۳ ماه حقوق و همچنین عیدی و پاداش آخر سال را نگرفته‌اند و به همین علت به شدت در مضیقه مالی به سر می‌برند و از لحاظ معیشتی تحت فشارند.

- در کارخانه نساجی خامنه، واقع در شبستر، اوضاع از این هم وخیم‌تر است. کارفرمای این کارخانه که زمانی از بزرگترین کارخانه‌های نساجی و ریسندگی به حساب می‌آمد، ۳۹ ماه است حقوق کارگران خود را نداده است.

این‌ها فقط چند نمونه از اقدامات سرمایه‌داران علیه کارگران و تشدید فشار بر آنها، تنها در ظرف دو سه روز اخیر است. همه کارگران می‌دانند که مسأله، فقط به این تعداد و این نمونه‌ها خلاصه نمی‌شود. بنا به گزارش سایت حکومتی ایلنا، شیخ اسلامی وزیر کار جمهوری اسلامی، سه روز پیش در گفتگو با خبرنگاران چنین اعتراف نمود

که "در ظرف یک سال گذشته حداقل یک میلیون کارگر بیکار شده‌اند. و این در حالی است که در همین مدت، تنها ۲۰ هزار کارگر بیکار برای دریافت مقرری به صندوق بیمه بیکاری معرفی شده‌اند."

بنابراین ابعاد اخراج‌ها و بیکارسازی‌ها بسیار وسیع و گسترده است. در حال حاضر نیز هزارها و ده‌ها هزار کارگر در سراسر کشور، در اثر تعرضات سرمایه‌داران، با چنین وضعیتی دست به گریبانند و تحت سخت‌ترین شرایط معیشتی قرار دارند.

اما این، یک طرف قضیه است. طرف دیگر مسأله همان طور که اشاره کردیم، مقاومت در برابر این فشارها و تداوم مبارزه کارگران است. در این مورد نیز به چند نمونه اعتراض و اعتصاب کارگری که در ظرف همین چند روز رخ داده و خبر آن انتشار یافته است اشاره می‌کنیم:

- ۲۷۰ کارگر کارخانه ریسندگی خاور، واقع در جاده رشت - فومن، که بیش از یک سال حقوق و مزایا طلب دارند، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خویش دست به اعتصاب زده‌اند. این کارگران از لحاظ معیشتی در وضعیتی بسیار دشوار به سر می‌برند و کسی به مشکلات ۲۷۰ کارگر این کارخانه رسیدگی نمی‌کند. در سال گذشته (۱۳۸۸) فردی به نام دکتر لامع، مالک کارخانه‌های حوله برق لامع، با استفاده از قانون خصوصی سازی، بخش عمده سهام این کارخانه را خرید و دستگاه‌های مدرن و جدیدی را نیز وارد کارخانه کرد. اما این سرمایه‌دار، در زمینه پرداخت مطالبات کارگران، که بیش از یک سال حقوق و مزایا طلب دارند، کوچک‌ترین اقدامی انجام نداده، و جز مشتی و عده میان خالی، چیزی به کارگران نداده است. کارگران این کارخانه پیگیرانه خواستار پرداخت حقوق‌های عقب‌افتاده خود هستند و هشدار داده‌اند که تا دریافت مطالبات معوق خویش به اعتصاب ادامه خواهند داد.

- روز سه‌شنبه ۱۹ مرداد [اسد] کارگران شرکت مواد شیمیایی ترومر در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران با تجمع در برابر این کارخانه که در کیلومتر ۵ جاده قدیم قزوین- کرج قرار دارد، خواستار مطالبات عقب‌افتاده خود شدند.

- روز دوشنبه ۱۸ مرداد بیش از ۵۰ نفر از کارگران کارخانه چینی البرز قزوین در مقابل این شرکت تجمع کردند. این کارگران به بی توجهی مقامات به مشکلات کارگران و همچنین نسبت به عدم دریافت حقوق‌شان اعتراض داشتند.

کارخانه‌ها و نمونه‌هایی که در اینجا از آنها نام برده شد، اگرچه فقط به عنوان نمونه ذکر گردید، اما همین نمونه‌ها وضعیت عمومی در اغلب کارخانه‌های دیگر را نیز بازتاب می‌دهند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌داران به منظور تشدید استثمار کارگران به تعرض علیه کارگران ادامه می‌دهند و کارگران نیز در برابر تعرضات سرمایه‌داران دست به مقاومت زده و برای احقاق حقوق خویش دست از مبارزه بر نمی‌دارند.

کشمکش میان سرمایه‌داران و کارگران ادامه دارد. کارگران برای تحقق مطالبات خود، برای رهایی از شر سرمایه‌داران و پایان دادن به همه این فشارها و محدودیت‌ها، جز اتحاد و تشدید مبارزه برای سرنگونی نظم موجود راه دیگری ندارند.

قتل یک زندانی در زیر شکنجه و بی خبری از زندانیان اعتصاب کننده

روز چهارشنبه ۲۰ مرداد ماه، حسن قشقائی ۳۵ ساله که در سلول‌های انفرادی بند ۱ زندان گوهردشت زندانی بود، پس از بازگشت از دادگاه و انتقال او به سلول‌های انفرادی معروف به سگدونی، مورد وحشیانه‌ترین شکنجه‌های پاسداربندها قرار می‌گیرد. او در حالی که دست‌ها و پاهایش با دست‌بند و پابند بسته شده بود و چشمانش را نیز چشم‌بند زده بودند مدتی طولانی مورد شکنجه قرار می‌گیرد که به حالت کما فرو می‌رود و بعد از چند ساعت جانش را از دست می‌دهد.

در زندان اوین نیز روز جمعه، سه افسر نگهبان، به یک زندانی سیاسی که در یکی از سلول‌های انفرادی بند ۲۴۰ نگهداری می‌شود وحشیانه یورش می‌برند و او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. تشدید فشار و شکنجه زندانیان در حالی صورت می‌گیرد که چهار روز بعد از پایان اعتصاب غذای شانزده زندانی سیاسی بند ۳۵۰ که دو هفته در اعتصاب غذا بودند هنوز هیچ اطلاعی از وضعیت آنها در دست نیست. این زندانیان، همچنان در سلول‌های انفرادی به سر می‌برند، تحت شکنجه قرار دارند و کماکان از هر گونه ملاقات با بستگان خویش نیز محروم‌اند. بی‌خبری از وضعیت این زندانیان، خانواده آنها را به شدت نگران ساخته است. مسئولان زندان اوین به برخی از خانواده‌هایی که در این چند روز برای پیگیری وضع زندانی‌های اعتصاب کننده به آنها مراجعه کرده‌اند، بی‌شرمانه گفته‌اند که "چون با رسانه‌ها درباره اعتصاب غذای زندانیان مصاحبه کرده‌اید، فعلا از هر گونه تماسی با زندانی‌هایتان محروم خواهید ماند و هر وقت تصمیم گرفتید که دیگر مصاحبه نکنید حق ملاقات با زندانیان‌تان را به دست خواهید آورد."

خانواده‌های زندانیان سیاسی اعتصاب کننده که خواستار اطلاع از وضعیت عزیزان دربند خود و ملاقات با آنها هستند، در نامه‌ای مورخ ۲۱ مرداد، خطاب به رئیس قوه قضائیه از جمله چنین نوشته‌اند "ما از ۲۰ روز پیش هیچ گونه تماسی با آنها نداشته‌ایم و اصرار مسوولان زندان در تداوم قطع تماس‌ها و عدم بازگرداندن آنها به بند عمومی ۳۵۰ این سوال را در ذهن‌مان به وجود می‌آورد که آیا وضعیت نامناسب جسمی آنها قطع تماس‌ها را ضروری کرده است؟ آیا واقعا عزیزان ما سالم هستند و از شرایط سخت اعتصاب غذای دو هفته‌ای جان سالم به در برده‌اند؟"

در انتهای نامه، خانواده‌های زندانیان سیاسی اعتصاب کننده خواستار آن شده‌اند که عزیزانشان به بند عمومی ۳۵۰ اوین برگردانده شوند و امکان ملاقات با آنها را ایجاد نمایند.